

شماره : ۲۳

یازدهم ربیع الاول ۱۴۲۶

مجموعه مباحث اخلاقی

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

آرزوی دراز

دیگر نشانه اهل دنیا

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة
الله على أعدائهم أجمعين

در ادامه بیان حدیث معراج و نشانه‌های اهل دنیا مطلب به این جمله
رسید که: «أمله بعيد وأجله قريب».^(۱) از دیگر نشانه‌های اهل دنیا، آرزوهای
طول و دراز است با اینکه مرگ و اجل و پایان زندگی بسیار نزدیک است.
(امل) لفظ مشترك است بین آرزوها و امیدهای صحیح زندگی؛ و آمال
و آرزوهای کاذب و فریبنده.

آنچه که در کلام ذات اقدس ربوبی است مربوط به قسمت دوم؛ یعنی
آمال و آرزوهای کاذب و فریبنده است. مظاهر فریبنده دنیا، چنان اهل دنیا را
فریفته است که از توجه به واقعیت‌ها و حقایق زندگی غافل شده‌اند؛ و چه
واقعیتی روشن‌تر و مشهودتر از مرگ.

۱- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۳، حدیث ۶، مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۱۲، حدیث
۱۹۶۲۸.

انسان‌های مغرور به دنیا، از یک واقعِ مقطوع که همان مرگ می‌باشد؛ غافل‌اند. به طور مثال غسلی که هر روز چند مرده را غسل می‌دهد، دقانی که هر روز چند مرده را دفن می‌کند، فکر این را که فردا هم شاید خودش روی تخت غسلخانه بخوابد نمی‌کند، این همان غفلت است؛ و کسی هم اگر اهل دنیا شد این‌گونه غافل می‌شود.

در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است که می‌فرمایند:

«أكثر الناس أملاً أقلهم للموت ذكراً»^(۱).

«کسانی که آمال و آرزوهای بیشتری دارند، کمتر به فکر مرگند».

در روایت دیگری چنین آمده است که:

«يشيب ابن آدم و يشب فيه خصلتان، الحرص و طول الأمل»^(۲).

«هر چه آدمی پیر می‌شود دو خصلت در او جوان و بیشتر می‌شود:

حرص و آرزوی طول و دراز».

طول امل نسبت به هر فردی فرق می‌کند، مثلاً جوانی در سنین بیست یا بیست و پنج سالگی آرزویی دارد که ممکن است چهل سال دیگر ثمر دهد، به حسب قاعده طبیعی اشکال ندارد؛ زیرا اگر او شصت یا هفتاد سال عمر کند به آن آرزو می‌رسد، ولی گاه فردی نود ساله آرزویی دارد که رسیدن به آن

۱- غرر الحکم، ص ۳۱۲، حدیث ۷۲۱۵.

۲- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۲، حدیث ۱۱.

حداقل پنجاه سال عمر می‌خواهد، این طول‌الامل است. و لذا
امیرالمؤمنین علیه السلام این‌گونه توصیه فرموده‌اند که:

«اتَّقُوا باطل الأمل فربَّ مستقبل يوم ليس بمستدبره»^(۱).

«آرزوهای فریبنده و باطل را رها کنید، چه بسا فردایی را در پیش دارید
که آن فردا را پشت سر نخواهی گذاشت».

ظاهراً حضرت عزرائیل علیه السلام برای کسی نامه‌ی تضمینی نفرستاده است و
هیچ‌کس از فردای خود خبر ندارد. بنابراین معلوم نیست که فردایی را که
می‌آید به شب برساند.

حضرت در کلام دیگری فرمودند:

«قَصِّرْ أملك، فما أقرب أجلك»^(۲).

«آمال و آرزوهای خود را کوتاه کن، چرا که مرگ نزدیک است».

امام مجتبی علیه السلام به جناده فرمودند:

«إعمل لدنياك كأنك تعيش أبداً، و اعمل لآخرتك كأنك تموت غداً»^(۳).

«برای زندگی دنیا، چنان تلاش کن که گویا تا ابد در آن زندگی خواهی
کرد؛ و برای آخرت، چنان تلاش کن که گویا فردا آخرین روز عمرتوست».
بنابراین حساب زندگی باید جمع زده شده باشد و هیچ امید و آرزوی

۱ - غرر الحکم، ص ۳۱۲، حدیث ۷۲۳۱.

۲ - غرر الحکم، ص ۳۱۴، حدیث ۷۲۷۷.

۳ - مستدرک الوسایل، ج ۱ ص ۱۴۶، حدیث ۲۲۰.

طول و دراز و غیر قابل دسترس مدّ نظر نباشد. اگر فرد اینگونه بود، نشان بریده شدن از دنیا و عدم دلبستگی به دنیا است.

بنابراین شاید بتوان معارف اهل بیت علیهم السلام راجع به ثمرات و مضارّ آمال و آرزوهای طولانی را در چند عنوان بیان کرد:

ثمره اول اینکه فرصت‌ها را از ما می‌گیرد؛ زیرا هر لحظه و ثانیه عمر، سرمایه محسوب می‌شود. این روایت را به مناسبت‌هایی در مباحث قبل هم بیان کرده‌ایم که سیدالشهداء علیه السلام فرمودند:

«یابن آدم! إِنَّمَا أَنْتَ أَيَّامٌ كَلَّمَا مَضَى يَوْمٌ ذَهَبَ بَعْضُكَ»^(۱).

«ای فرزند آدم! تو از روزها تشکیل شده‌ای و هر روز که بگذرد مقداری از وجودت رفته است».

انسان، سرمایه خود را که شامل مجموعه روزها و ساعات عمر می‌باشد بخواهد یا نخواهد، بذل می‌کند؛ ولی سؤال اینجاست که در مقابل آن چه به دست می‌آورد؟ عمر و مال و غنی را که سرمایه اوست خرج می‌کند ولی محصل ندارد؛ و لذا غرقه شدن در آمال و آرزوهای دور از دسترس، موجب ضیاع و از دست دادن فرصت‌هاست.

در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است که:

۱- ارشاد القلوب، ص ۴۰.

«فی غرور الآمال انقضاء الآجال»^(۱).

«فریفته شدن به آمال و آرزوهای دور و دراز، باعث ضایع شدن و

سپری شدن عمر است».

آدمی به طرف آب می دود ولی آبی پیدا نمی کند؛ چرا که سرابی بیش نبوده و او به خیال خود آب می دید، آرزوهای دور و دراز نیز مانند سراب است. بنابراین اولین ثمره آمال و آرزوهای دور و دراز این است که عمر می گذرد و او چیزی از آن به دست نمی آورد، به عبارتی دیگر ثمن داده می شود؛ ولی مثمینی گرفته نمی شود.

ثمره دوم اینکه باب سلطه و غلبه شیطان را بر انسان باز می کند. اگر انسان گرفتار آرزوهای دور از دسترس باشد شیطان بر عقل و فکر او مسلط می شود. تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام این است که:

«الأمل سلطان الشیاطین علی قلوب الغافلین»^(۲).

«آرزوهای دست نیافتنی حربه تسلط شیطان است بر قلوب غافلان».

وقتی شیطان مسلط شد عقل و تدبیر سلب می شود؛ چرا که قلب یا جایگاه رحمان است یا شیطان. امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف این کلام چنین فرموده اند که:

۱ - غرر الحکم، ص ۳۱۴، حدیث ۷۲۷۶.

۲ - غرر الحکم، ص ۳۱۲، حدیث ۷۲۰۶.

«إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عَدُوٌّ مُتَّفَاوِتَانِ، وَسَيِّئَانِ مُخْتَلِفَانِ... وَهَمَا

بَعْدَ ضَرَّتَانِ»^(۱)

«دنیا و آخرت دو دشمن مختلف و دو جاده جداگانه‌اند، این دو همچون

دو هوو هستند که معمولاً ناسازگارند.»

ضرة) به معنای هوو است. دنیا و آخرت مثل دو تا هوو هستند که

همیشه در حال دعوا هستند و غیر قابل اجتماع‌اند. حال کسانی که این دو را جمع می‌کنند جای تأمل است.

بنابر این وقتی شیطان مسلط شد تعقل و تفکر سلب می‌شود؛ زیرا

«كثرة الأمانی من فساد العقل»^(۲). «زیادی آرزوها نشانه فساد عقل است.»

تدبیر از آدمی گرفته شده و گرفتار شیطان می‌شود؛ می‌توان علت آن را زیادۀ خواهی و تنوع طلبی دانست که مصادیق مختلفی دارد.

بنابراین می‌توان گفت از همان دری که آمال و آرزوهای طول و دراز

وارد می‌شوند شیطان نیز وارد شده و قدرت تعقل را از انسان سلب می‌کند.

پس چاره آن، جلوگیری از مبتلا شدن به آرزوهای طول و دراز است.

ثمره سومی که از کلمات معصومین علیهم‌السلام در مضاہر آن بیان شده اینک،

چشم بصیرت و روشن بینی از بین می‌رود اگر چه عقلی هم باشد؛ اما عقل هم

۱ - نهج البلاغه، ص ۱۹۷، حکمت ۱۰۳.

۲ - غرر الحکم، ص ۶۵، حدیث ۸۶۰.

بی بصیرت می شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اند:

«الأمانی تعمی عیون البصائر»^(۱).

«آرزوها چشم دل را کور می کند»؛ زیرا «حبّ الدنیا یعمی و یصم»^(۲)
دوست داشتن دنیا آدمی را کر و کور می کند یعنی نه صدای مخالفی را
می شنود و نه عیوب حقیقی را می بیند.

ما طلبه ها هر روز که از صحن حرم می گذریم چند جنازه را می بینیم که
می برند یا می آورند؛ ولی هیچ توجهی به آن نمی کنیم و حال آن که ممکن
است فردا توی یکی از این تابوت ها ما را بگذارند و ببرند، یعنی حالا هم که
گوینده می گوید و شنونده می شنود ممکن است یادآور مرگ نشده و به عمق
آن توجه نکنیم با اینکه فردا، فردای حقیقی است.

نکته چهارم که خیلی هم مهم است اینکه، اگر کسی اسیر آرزوهای
طول و دراز شود از نعمت های موجودی که در اختیار دارد لذت نمی برد، به
طور مثال خداوند به کسی خانه ای پنجاه متری روزی کرده که در آن زندگی
می کند، حالا در فکر این است که کاخی چند هزار متری، در بهترین نقطه شهر
نیز به دست آورد. این فرد اگر فکر و ذکرش این چنین جایی باشد دیگر در این

۱ - غرر الحکم، ص ۶۵، حدیث ۸۶۱.

۲ - کافی، ج ۲، ص ۱۳۶، حدیث ۲۳.

خانه پنجاه متری چندان احساس آرامش و کیفی نخواهد کرد؛ اما اگر آرزو در محدوده قدرت و توان فرد باشد از خانه پنجاه متری هم لذت خواهد برد؛ از همین نان و پنیر و ما حَصَرَ زندگی لذت خواهد برد و به قول معروف، نان جورا هم با لذت خواهد خورد.

در تعبیری از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین آمده است:

«تَجَنَّبُوا الْمُنَى فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِمَهْجَةِ نِعْمِ اللَّهِ عِنْدَكُمْ، وَتَلْزِمُ اسْتِصْغَارَهَا لَدَيْكُمْ وَعَلَى قَلَّةِ الشُّكْرِ مِنْكُمْ»^(۱).

«هر نعمتی که خداوند نصیب بنده اش کند بنده از آن لذت می برد؛ و هنگامی که گرفتار آمال و آرزوها شد، لذت این نعمت ها گرفته شده و از آن لذت نمی برد».

به طور مثال می گوید این هم خانه است که در آن زندگی می کنیم، این هم ماشین است که ما داریم، این هم شهر است که ما در آن زندگی می کنیم، در این وقت است که نتیجه بسیار ناگواری بدنبال دارد «و علی قَلَّةِ الشُّكْرِ مِنْكُمْ» و دیگر شاکر نعمت خداوند نیست.

عدم شکر نعمت، باعث زوال نعمت می شود. مثلاً وسیله ای که با آن سر درس می آمدی از دست می دهی، زنی را که چندان از او ناراضی نیستی از دست می دهی. اینها ثمره همان کفران نعمت؛ و عدم سپاس و شکر از منعم

۱ - غرر الحکم، ص ۳۱۴، حدیث ۷۲۹۸.

حقیقی می‌باشد.

این مباحث نتیجه جالبی که دارد اینکه باب فهم روایات را به روی ما باز می‌کند و ما را نسبت به کلام معصومین علیهم‌السلام آشنا تر می‌کند. ثمره پنجمی که آرزوهای طول و دراز دارد اینکه، نتیجه‌ای جز غصه و اندوه و رنج ندارد. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمده است که:

«حاصل المنی الأسف و ثمرته التلف»^(۱).

«حاصل آمال و آرزوهای دست نیافتنی غم و اندوه است؛ زیرا سرمایه‌ها ضایع می‌شوند».

به طور مثال شخصی پنجاه سال دنبال چیزی می‌دود و همه سرمایه‌اش را می‌دهد، وقتی به چیزی نمی‌رسد نتیجه‌اش غم و اندوه و تأسف است، با اینکه تأسف او نیز ثمره ندارد؛ زیرا سرمایه‌اش ضایع شده است. نتیجه اینکه «إِنَّ أَخْسَرَ النَّاسِ صَفْقَةً وَ أْخِيْهِمْ سَعْيًا رَجُلٌ أَخْلَقَ بَدَنَهُ فِي طَلَبِ آمَالِهِ وَ لَمْ تَسَاعِدْهُ الْمَقَادِيرُ عَلَى إِرَادَتِهِ فَخَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا بِحَسْرَاتِهِ»^(۲). زیان کارترین فرد در معامله‌ای که با ضایع کردن عمر و ناامیدی همراه است کسی است که جوانی و شادابی و طراوت را به پیری و درماندگی رسانید؛ و مقدرات عالم نیز با او همراهی نکرد تا به آنچه که می‌خواست برسد و با دنیایی از

۱- غرر الحکم، ص ۳۱۴، حدیث ۷۳۰۱.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۸، حدیث ۸۵.

حسرت از دنیا رفت.

اگر انسان به چیز نامطلوب دل ببندد؛ و به آن نرسد ایمان او نیز سلب می‌شود. این مثال را همه، بالاخص اهل منبر شنیده‌اند که فردی جلو درب خانه‌اش نشست به زنی آمد و سراغ حمام منجاب را گرفت. او خانه خودش را نشان داد. وقتی زن وارد شد درب خانه را بست و قصد فعل حرام کرد. زن که وحشت کرده بود، حيله‌ای کرده و با اظهار علاقه، به مرد گفت: بهتر است من خود را خوشبو کنم و تو نیز فوراً رفته و مقداری میوه و خوردنی تهیه کنی تا بخوریم و بعد... مرد هوسران بدون تفکر و با عجله از خانه بیرون رفت. زن نیز از فرصت استفاده کرده و فرار کرد و دیگر نیامد. مرد فریب خورده بعد از سالیان دراز که در بستر مرگ افتاده بود دیدند لبانش تکان می‌خورد. گوش دادند و دیدند در آن لحظه هم (أین الطریق إلی حمام منجاب) می‌گوید.^(۱) پس گرفتار دنیا شدن، این مصیبت‌ها را هم به دنبال دارد. همه تلاش را برای رسیدن به آنچه که نباید می‌رسید کرد؛ ولی نه تنها سودی نبخشید بلکه دنیا و آخرتش نیز ضایع شد. بنابراین، بهترین راه دل و امید بستن به خداوند متعال است؛ لذا امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند که:

۱- منازل الاخرة و مطالب الفاخرة، ص ۱۲۳.

«من أمل غير الله سبحانه أكذب آماله»^(۱).

«کسی که به غیر خداوند دل ببندد آمال و آرزوهای خود را تباه کرده

است».

تنها باید امید و آرزو به ذات ربوبی و مقدرات الهی باشد، که آن هم به معنای تعطیل وظیفه و فعالیت نیست. تکالیف و وظایف ما، هم تکالیف عامّان به عنوان یک انسان؛ و هم وظایف خاصّان به عنوان یک طلبه مشخص است. و کسی که سر سفره حضرت بقیّة الله ارواحنا له الفداء است وظایف و تکالیف بیشتری دارد.

در اینجا هم به اقتضای سخن؛ و هم به مناسبت ایام آغاز امامت حضرت بقیّة الله ارواحنا له الفداء چند جمله‌ای راجع به حضرت بیان می‌کنیم. مرحوم شهید در کتاب مزار، زیارتی را نقل می‌کند که مرحوم محدّث قمی آن را به عنوان آداب ورود به سردابه مقدّسه ذکر می‌کند و یکی از عبارات آن این است: «السلام عليك يا باب الله الذي لا يؤقّي إلا منه»^(۲).

این چه برگزیده‌ای است که باب الله نامیده می‌شود. کلمه (باب) اضافه شده به (الله)، و (الله) از اسامی است که مستجمع جمیع صفات جمال و جلال الهی است. در اینجا چند نکته قابل ذکر است:

۱ - غرر الحکم، ص ۳۱۲، حدیث ۷۲۳۹.

۲ - بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۹۸ و ۱۱۷.

نکته اول اینکه؛ اگر فرموده بود باب الرحمان، دیگر باب الله نبود، اگر فرموده بود باب الرحيم، دیگر باب الرحمان نبود. وقتی باب الله می‌گوید یعنی باب الرحيم، باب الرحمان، باب الرزاق، باب العليم و باب همه اسماء و خوبی‌های خدا.

نکته دوم؛ او باب الله است که «لا يُؤْتِي إِلَّا مِنْهُ». این جمله یک اثبات و یک نفی دارد، که نفی آن نیز حصر است. اثبات آن باب الله، و نفی آن لا يُؤْتِي، و حصرش إِلَّا مِنْهُ است، و جالب اینکه لا يُؤْتِي را به صيغۀ مجهول آورده است. نگفته است لا يُؤْتِي النَّاسَ و يا بعض الخلاق.

لا يُؤْتِي یعنی هر کسی که می‌خواهد به درگاه خداوند برود حتی جبرئیل ناموس وحی؛ میکائیل ناموس رزق؛ و عزرائیل ناموس حیات و ممات هم باید از باب بقیة الله روحی و ارواح العالمین لمقدمه الفداء عبور کنند. اگر به لطف بارگاه اقدس ربوبی امید داریم پس شایسته نیست که به کسی غیر از خدا و بعد حجت مطلق او در زمین حضرت بقیة الله - روحی و ارواح العالمین لمقدمه الفداء - دل ببندیم؛ زیرا صاحب خانه کریم است و کریم من اولاد الکرام.

اگر کسی پشت در این خانه بیاید در نزده درب به رویش باز می‌شود. و همه می‌دانیم که خوب جایی آمده‌ایم ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾^(۱) خداوند این

۱ - سورة ضحی، آیه ۱۱.

نعمت را شامل ما و شما کرده است و باید قدرش را بدانیم؛ زیرا هیچ متاعی و مثمینی از امتعه دنیا، قابلیت معامله با این گوهر گرانبها را ندارد و آن نوکری و خدمت در آستان حضرت بقیة الله علیه السلام است.

خداوند این توفیق را برای همه ما و شما مستدام بدارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۸۴/۱/۳۱

اگر کسی اسیر آرزوهای طول و
دراز شود از نعمت‌های موجودی که در
اختیار دارد لذت نمی‌برد، به طور مثال
خداوند به کسی خانه‌ای پنجاه متری
روزی کرده که در آن زندگی می‌کند،
حالا در فکر این است که کاخی چند
هزار متری، در بهترین نقطه شهر نیز به
دست آورد. این فرد اگر فکر و ذکرش
این چنین جایی باشد دیگر در این خانه
پنجاه متری چندان احساس آرامش و
کیفی نخواهد کرد؛ اما اگر آرزو در
محدوده قدرت و توان فرد باشد از
خانه پنجاه متری هم لذت خواهد برد،
از همین نان و پنیر و ما خضر زندگی
لذت خواهد برد و به قول معروف، نان
جو را هم با لذت خواهد خورد....

محل برگزاری جلسات :

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰

